

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله القاصم الجبارين



اندیشکده قرار

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یکی از اهداف اصلی مقاومت است. فهمیدن این فرصتی که در دل تهدیدها نهفته است، نیاز به مطالعاتی علمی، روش‌مند و در عین حال هدفمند و با دغدغه دارد. مطالعاتی ساختاریافته که به دنبال رسیدن به هدفی مشخص در میدان باشد، از پرداختن بیش از اندازه به کلیات و تحلیل‌های بدون مستندات دقیق اجتناب کند، محدودیت‌های میدانی را بشناسد و از اطناب آکادمیک اجتناب کند. اندیشکده قرار تلاش دارد این نیاز حیاتی جبهه مقاومت را برطرف سازد و به محلی برای همگرایی مطالعات ساختاریافته و هدفمند در زمینه مقاومت و استعمار در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

دیپلماسی صنعتی-نظامی اسرائیل؛ از صادرات تسلیحات تا تولید مشترک

در فاصله سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، الگوی سرمایه‌گذاری خارجی صنایع نظامی رژیم صهیونیستی دستخوش تغییراتی شده است. برخلاف دهه‌های گذشته که تمرکز اصلی بر صادرات مستقیم تجهیزات نظامی بود، اکنون شرکت‌هایی مانند رافائل (Rafael)، صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) و البیت سیستمز (Elbit Systems) به سمت ایجاد شبکه‌های تولید مشترک، انتقال فناوری و بومی‌سازی تولید در کشورهای شریک حرکت کرده‌اند. این تغییر صرفاً یک تصمیم تجاری نیست، بلکه بخشی از راهبرد امنیتی و ژئوپلیتیکی این رژیم برای افزایش ظرفیت تولید و کاهش آسیب‌پذیری زنجیره تأمین در شرایط جنگی است.

تجربه جنگ غزه و افزایش بی‌سابقه مصرف موشک‌های رهگیر و مهمات، نشان داد که اتکال صرف به خطوط تولید داخلی، توان پاسخگویی به تقاضای زمان جنگ را ندارد. از این رو، اسرائیل هم‌زمان با توسعه ظرفیت تولید در داخل، با ایجاد خطوط تولید در کشورهای هم‌پیمان و تمرکززدایی از ساختار صنایع نظامی خود، در پی کاهش ریسک‌های ناشی از متمرکز بودن تأسیسات حساس نظامی در خاک خود در شرایط جنگی برآمده است.

هدف اسرائیل از این نوع سرمایه‌گذاری‌های خارجی صرفاً افزایش صادرات نیست، بلکه به دنبال ایجاد شبکه‌ای از مراکز تولید و پشتیبانی منطقه‌ای است که در زمان بحران بتوانند هم نیاز نیروهای مسلح اسرائیل و هم سفارش‌های بین‌المللی را با سرعت بیشتری تأمین کنند و جایگاه صنایع نظامی اسرائیل را در بازار جهانی تثبیت نمایند.^۱

اسرائیل عمدتاً کارخانه‌های کاملاً تحت مالکیت خود ایجاد نمی‌کند، بلکه از سه الگوی سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Venture)، تولید تحت لیسانس (Licensed Production) و انتقال فناوری (Technology Transfer) استفاده می‌کنند. این الگوها ضمن کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری و کاهش حساسیت کشورهای میزبان، امکان استفاده از ظرفیت صنعتی کشورهای مقصد را فراهم می‌کنند و درعین حال وابستگی بلندمدت مشتریان به قطعات، نرم‌افزارها، ارتقاها، تعمیرات اساسی و خدمات پشتیبانی شرکت‌های اسرائیلی را حفظ می‌کنند. به همین دلیل، انتقال فناوری رژیم صهیونیستی معمولاً کنترل‌شده و لایه‌بندی شده است؛ به این معنا که فناوری‌های حساس مانند موتورهای موشکی، جستجوگرها (Seekers)، نرم‌افزارهای هدایت، الگوریتم‌های رهگیری و سامانه‌های رمزنگاری همچنان در اختیار شرکت‌های اسرائیلی باقی می‌ماند و تنها بخش‌هایی از فرایند تولید یا مونتاژ به شریک خارجی واگذار می‌شود.^۲

این راهبرد چند مزیت اساسی برای اسرائیل ایجاد می‌کند. نخست، بخشی از هزینه توسعه خطوط تولید و تحقیق و توسعه توسط دولت یا صنایع کشور میزبان تأمین می‌شود و فشار مالی بر شرکت‌های اسرائیلی کاهش می‌یابد. دوم، استقرار کارخانه در کشورهای دارای نیروی کار ارزان‌تر یا ظرفیت صنعتی گسترده مانند هند، هزینه تمام‌شده تولید را کاهش داده و امکان افزایش حجم تولید را فراهم می‌کند. سوم، بسیاری از کشورها مانند هند، رومانی و مراکش خرید تجهیزات خارجی را به انتقال فناوری و تولید داخلی مشروط کرده‌اند؛ بنابراین ایجاد خطوط تولید محلی، شرط لازم برای حفظ

^۱ <https://www.calcalistech.com/ctechnews/article/skwz8q2lzx>

^۲ <https://www.mod.gov.il/en/press-releases/press-room/all-time-defense-export-record-israel-crosses-the-19-billion-threshold>

یا گسترش بازار این کشورها است. افزون بر این، تولید در کشورهای ثالث امکان صادرات مجدد به بازارهای منطقه‌ای را نیز آسان‌تر می‌کند و در برخی موارد، حساسیت‌های سیاسی نسبت به خرید مستقیم از اسرائیل را کاهش می‌دهد.^۳

تل‌آویو تلاش کرده است با ایجاد خطوط تولید در هند و برخی کشورهای اروپایی، شبکه‌ای از ظرفیت‌های تولیدی ایجاد کند که در شرایط بحران بتوانند بخشی از نیاز نیروهای مسلح رژیم صهیونیستی یا سفارش‌های صادراتی را تأمین کنند. این شبکه همچنین احتمال اختلال در تولید ناشی از حملات موشکی، کمبود نیروی انسانی یا مشکلات زنجیره تأمین داخلی را کاهش و انعطاف‌پذیری صنایع نظامی اسرائیل را افزایش می‌دهد.^۴

رایج‌ترین الگوهای همکاری صنایع نظامی اسرائیل با جهان

۱. الگوی سرمایه‌گذاری مشترک (Joint Venture)

در این مدل، یک شرکت اسرائیلی و یک شرکت یا نهاد نظامی کشور میزبان، شرکت مشترک تأسیس می‌کنند. هر دو طرف در سرمایه‌گذاری، مدیریت، تولید و سود سهام هستند و معمولاً فناوری نیز تا حدی منتقل می‌شود. مالکیت مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک، تولید در کشور میزبان و انتقال بخشی از فناوری از ویژگی‌های این الگو به حساب می‌آید. اسرائیل با این کشورها اقدام به همکاری تحت الگوی سرمایه‌گذاری مشترک کرده است:

- **ایالات متحده:** آمریکا مهم‌ترین شریک صنعتی و بزرگ‌ترین پایگاه تولید خارجی صنایع نظامی رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود. با این حال در مقایسه همکاری‌های میان اسرائیل با سایر کشورهای جهانی، ایالات متحده یک استثنا به حساب می‌آید؛ چراکه همکاری با واشنگتن را به‌سختی می‌توان در قالب الگوهای متعارف سرمایه‌گذاری مشترک یا انتقال فناوری گنجانده. در این مورد خاص، هدف راهبردی اسرائیل فراتر از ایجاد یک کارخانه مشارکتی بوده و به‌دنبال تحقق آرمانی کلان‌تر، یعنی ایجاد یک زنجیره تأمین با صنایع نظامی ایالات متحده، حرکت کرده است؛ هدفی که تا اندازه‌ای قابل‌توجه نیز محقق شده و جایگاه صنایع دفاعی اسرائیل را از یک تأمین‌کننده خارجی به یک حلقه داخلی‌شده در ساختار تسلیحاتی آمریکا ارتقا داده است.

مهم‌ترین تحول در این زمینه، افتتاح کارخانه مشترک سامانه‌های حفاظت منطقه‌ای ریتون -رافائل (Raytheon-Rafael Area Protection Systems) یا (R2S) در نوامبر ۲۰۲۵ در ایالت آرکانزاس بود؛ کارخانه‌ای که توسط شرکت‌های رافائل و ریتون (Raytheon) یا RTX راه‌اندازی شد و مأموریت اصلی آن تولید رهگیرهای تامیر سامانه گنبد آهنین و همچنین رهگیرهای مورد نیاز سامانه دفاع هوایی نیروی تفنگداران دریایی آمریکا (MRIC) است.^۵

^۳ <https://www.jpost.com/defense-and-tech/article-901960>

^۴ <https://www.businessinsider.com/europe-air-defense-worries-new-interest-israel-davids-sling-2026-7>

^۵ <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

انتقال بخشی از تولید رهگیرهای تامیر به آمریکا، ضمن افزایش ظرفیت تولید، ریسک ناشی از تمرکز کارخانه‌ها در داخل فلسطین اشغالی را نیز کاهش می‌دهد و در صورت هدف قرارگرفتن زیرساخت‌های صنعتی اسرائیل، امکان ادامه تولید از خاک آمریکا را فراهم می‌کند. به همین دلیل، این پروژه بخشی از راهبرد تاب‌آورسازی صنایع نظامی اسرائیل (Resilient Defense Industrial Base) نیز محسوب می‌شود.^۶

علاوه بر این، از آنجاکه گنبد آهنین و سامانه پدافندی MRIC آمریکا از رهگیر تامیر استفاده می‌کنند، تولید این موشک در خاک آمریکا هزینه لجستیک را کاهش داده، سرعت تحویل را افزایش می‌دهد و امکان استفاده از بودجه‌های نظامی آمریکا برای توسعه و تولید آن را فراهم می‌کند. همچنین این کارخانه می‌تواند در آینده به پایگاه صادرات تامیر برای مشتریان مورد تأیید واشنگتن نیز تبدیل شود.^۷

همکاری نظامی تنها به رهگیرهای تامیر محدود نمی‌شود. آمریکا و رژیم صهیونیستی سال‌هاست در توسعه سامانه‌های پیکان ۲ (Arrow-2) و پیکان ۳ (Arrow-3) از طریق همکاری میان صنایع هوافضای اسرائیل (IAI) و بوئینگ (Boeing) مشارکت دارند و بخش قابل‌توجهی از قطعات این سامانه‌ها در ایالات متحده تولید می‌شود. همچنین توسعه سامانه لیزری پرتو آهنین (Iron Beam) و نسل آینده سامانه‌های دفاع موشکی نیز بر پایه سرمایه‌گذاری مشترک، تحقیق و توسعه مشترک و استفاده از ظرفیت شرکت‌های آمریکایی دنبال می‌شود. این روند نشان می‌دهد که آمریکا برای اسرائیل صرفاً یک بازار صادراتی نیست، بلکه به مهم‌ترین شریک در ایجاد یک اکوسیستم مشترک نظامی تبدیل شده است؛ اکوسیستمی که هدف آن حفظ برتری فناوری این رژیم، افزایش ظرفیت تولید و تضمین تداوم تأمین تجهیزات در جنگ‌های آینده است.^۸

● **هند:** هند مهم‌ترین نمونه موفق دیپلماسی صنعتی-نظامی اسرائیل و بزرگ‌ترین پایگاه تولید مشترک این رژیم در آسیا به شمار می‌رود. همکاری نظامی بین هند و رژیم صهیونیستی که در دهه ۱۹۹۰ با فروش تجهیزات آغاز شد، از اواخر دهه ۲۰۱۰ به سمت توسعه مشترک، انتقال فناوری و تولید بومی حرکت کرد و در فاصله ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶ وارد مرحله‌ای جدید شد. انتخاب هند از سوی اسرائیل صرفاً به دلیل حجم بالای خریدهای نظامی این کشور نبود، بلکه نتیجه هم‌زمان ملاحظات اقتصادی، صنعتی، ژئوپلیتیکی و راهبردی است. در سالیان اخیر، رابطه هند و اسرائیل به یک رابطه راهبردی تمام‌عیار تبدیل شده و هر دو طرف، جایگاهی استراتژیک در مناسبات یکدیگر پیدا کرده‌اند. مشارکت در کریدور «آیمک» (IMEC - کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا) مهم‌ترین جلوه این همکاری عمیق به شمار می‌رود. در چنین بستری، هند در نزد اسرائیل جایگاهی مهم‌تر و متمایزتر از سایر کشورهای یافته است

^۶ <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

^۷ <https://www.jpost.com/defense-and-tech/article-901960>

^۸ <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

که این رژیم با آنها اقدام به همکاری نظامی-صنعتی کرده است. به نوعی همکاری دو طرف به امری راهبردی تبدیل شده است.

هند یکی از بزرگترین واردکنندگان تسلیحات جهان و دارای یکی از وسیعترین زیرساختهای صنعتی آسیا است. ازسوی دیگر، دولت هند شرکت‌های خارجی را ملزم کرده است که برای دستیابی به قراردادهای بزرگ نظامی، بخشی از تولید، انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری صنعتی را در داخل این کشور انجام دهند. اسرائیل نیز برای حفظ جایگاه خود در بازار چند ده میلیارد دلاری نظامی هند، ناگزیر به تغییر الگوی همکاری از فروش مستقیم به تولید مشترک شد. علاوه بر این، هزینه پایین‌تر تولید، دسترسی به نیروی انسانی متخصص، زنجیره تأمین گسترده و امکان صادرات مجدد به بازارهای آسیایی، هند را به جذاب‌ترین مقصد سرمایه‌گذاری صنایع نظامی این رژیم تبدیل کرده است.^۹

همکاری شرکت‌های رافائل، (IAI) و البیت سیستمز با شرکت‌های هندی مانند سازمان تحقیقات و توسعه دفاعی (DRDO)، بهارات داینامیکس (BDL)، صنایع نظامی آدانی (Adani Defence) و شرکت گروه کالیانی (Kalyani Group) گسترش یافته است. این همکاری‌ها تولید سامانه پدافندی باراک ۸ (Barak-8)، موشک‌های ضد زره اسپایک (Spike)، پهپادهای هرمس ۴۵۰ (Hermes-450) و هرمس ۹۰۰ (Hermes-900)، رادارهای پیشرفته و تجهیزات جنگ الکترونیک را در داخل هند شامل می‌شود.

علت انتخاب سامانه پدافند هوایی Barak-8 برای توسعه مشترک، نیاز مشترک هر دو بازیگر به یک سامانه پدافند هوایی میان‌برد برای مقابله با هواپیماها، موشک‌های کروز و تهدیدات دریایی بود. برای اسرائیل، این پروژه هزینه‌های تحقیق و توسعه را کاهش داد و امکان تولید انبوه را فراهم کرد؛ در مقابل، هند به فناوری یکی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های پدافندی جهان دست یافت و توانست بخش قابل توجهی از نیاز نیروی دریایی، هوایی و زمینی خود را از طریق تولید داخلی تأمین کند. همچنین در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶، شرکت رافائل مذاکرات رسمی با صنایع نظامی هند را برای ایجاد خط تولید رهگیر تامیر آغاز کرد. این اقدام چند هدف را دنبال می‌کند: افزایش ظرفیت تولید جهانی، کاهش هزینه ساخت، ایجاد یک خط تولید پشتیبان خارج از سرزمین‌های اشغالی، استفاده از ظرفیت صنعتی هند و فراهم کردن امکان صادرات به بازارهای آسیایی. افزون بر این، چنین پروژه‌ای جایگاه این رژیم را در بازار هند تثبیت کرده و وابستگی متقابل را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد.^{۱۰}

در حوزه پهپادها نیز اسرائیل از هند به عنوان پایگاه تولید منطقه‌ای استفاده کرده است. شرکت آدانی-البیت (Adani-Elbit Advanced Systems India Limited) که با مشارکت صنایع نظامی آدانی و البیت سیستمز تأسیس شد، تولید پهپادهای هرمس ۹۰۰ و هرمس ۴۵۰ را در هند آغاز کرده است. این پهپادها علاوه بر تأمین نیاز نیروهای مسلح هند، بخشی از زنجیره تأمین جهانی البیت را نیز پشتیبانی می‌کنند و برخی قطعات تولیدی هند به اسرائیل صادر می‌شود. انتخاب هند برای تولید این

^۹ <https://www.makeinindia.com/sector/defence-manufacturing>

^{۱۰} <https://www.calcalistech.com/ctechnews/article/byaub5cmfl>

پهپادها به دلیل ظرفیت بالای صنعت هوافضا، هزینه پایین‌تر تولید و سیاست دولت هند برای تبدیل این کشور به قطب صادرات صنایع نظامی در آسیا صورت گرفت. این مدل همکاری موجب شده است که هند از یک مشتری صرف به یکی از شرکای تولیدی رزمی صهیونیستی تبدیل شود.^{۱۱}

از منظر راهبردی، هند برای اسرائیل صرفاً یک بازار صادراتی نیست، بلکه مهم‌ترین شریک صنعتی نظامی در آسیا محسوب می‌شود. تل‌آویو با انتقال بخشی از تولید سامانه‌های راهبردی خود به هند، ضمن حفظ حضور در یکی از بزرگ‌ترین بازارهای نظامی جهان، بخشی از زنجیره تولید خود را از محدودیت‌های جغرافیایی اسرائیل خارج کرده است. این همکاری همچنین به این رژیم امکان می‌دهد در شرایط جنگی یا افزایش تقاضای جهانی، از ظرفیت صنعتی هند به‌عنوان یک پایگاه پشتیبان استفاده کند؛ موضوعی که پس از جنگ‌های چند جبهه‌ای سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ به یکی از اولویت‌های اصلی راهبرد صنعتی-نظامی اسرائیل تبدیل شده است.

- **صربستان:** همکاری صربستان با اسرائیل که پیش‌تر عمدتاً به خرید پهپادها و تجهیزات شناسایی محدود بود، در سال ۲۰۲۶ وارد مرحله‌ای تازه شد؛ به‌گونه‌ای که دولت صربستان و شرکت البیت سیستمز برای ایجاد یک شرکت مشترک (Joint Venture) و احداث کارخانه تولید پهپادهای رزمی و مهمات سرگردان در صربستان به توافق رسیدند. سازمان دفاعی دولتی صربستان (Yugoimport SDPR) در این پروژه با شرکت البیت همکاری خواهد کرد و کارخانه جدید به یکی از مراکز اصلی تولید پهپادهای رزمی در منطقه بالکان تبدیل خواهد شد.^{۱۲}

این حوزه که اسرائیل طی دو دهه گذشته یکی از رهبران جهانی آن بوده است. انتخاب این دسته از تسلیحات نیز کاملاً هدفمند است. جنگ اوکراین، درگیری‌های خاورمیانه و نبردهای قفقاز نشان داده‌اند که پهپادهای انتحاری و مهمات سرگردان به یکی از مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین ابزارهای انهدام خودروهای زرهی، سامانه‌های پدافندی و اهداف تاکتیکی تبدیل شده‌اند. اسرائیل با انتقال بخشی از تولید این سامانه‌ها به صربستان، نه تنها ظرفیت تولید خود را افزایش می‌دهد، بلکه بخشی از فشار وارد بر خطوط تولید داخلی را نیز کاهش داده و امکان پاسخ‌گویی سریع‌تر به سفارش‌های صادراتی را فراهم می‌کند. بر اساس اظهارات الکساندر ووچیچ، رئیس‌جمهور صربستان، این پروژه بر مبنای مشارکت ۵۰-۵۰ میان دو طرف طراحی شده و هدف آن انتقال فناوری، آموزش نیروی انسانی و ایجاد توان طراحی و تولید پهپاد در داخل صربستان است.^{۱۳}

از منظر رژیم صهیونیستی، صربستان موقعیتی مناسب برای ایجاد یک پایگاه تولیدی در قلب بالکان فراهم می‌کند که بتواند علاوه بر پاسخگویی به نیازهای داخلی، بازارهای اروپای مرکزی، اروپای شرقی و حتی برخی کشورهای غیرعضو ناتو را نیز پوشش دهد. همچنین، در صورت بروز بحران در مناطق اشغالی، این ظرفیت تولیدی برون‌مرزی می‌تواند به‌عنوان یک اهرم پشتیبان، نقش مؤثری در تأمین و جایگزینی ادوات نظامی مورد نیاز اسرائیل ایفا کند.

^{۱۱} <https://www.adani.com/en/newsroom/media-releases/adani-defence-elbit>

^{۱۲} <https://apnews.com/article/serbia-israel-drones-factory-04e7573ec2c5291494f47e6b734b969f>

^{۱۳} <https://apnews.com/article/serbia-israel-drones-factory-04e7573ec2c5291494f47e6b734b969f>

- **ویتنام:** ویتنام یکی از نخستین کشورهای جنوب شرق آسیا بود که همکاری خود با صنایع نظامی اسرائیل را از سطح خرید تجهیزات به انتقال فناوری و تولید داخلی ارتقا داد. نقطه عطف این همکاری، توافق میان وزارت دفاع ویتنام و شرکت صنایع تسلیحاتی اسرائیل (IWI) برای احداث کارخانه تولید تفنگ‌های تهاجمی در داخل این کشور بود. در این کارخانه، نسخه‌های مختلف تفنگ جلیل ایس (Galil ACE) و برخی سلاح‌های سبک دیگر تحت لیسانس IWI تولید می‌شوند.^{۱۴}

ویتنام طی دو دهه اخیر برنامه گسترده‌ای را برای کاهش وابستگی به تسلیحات روسی و نوسازی صنایع نظامی خود آغاز کرده است. در عین حال، این کشور دارای نیروی کار ماهر، هزینه تولید پایین، سابقه طولانی در تولید تجهیزات نظامی و ظرفیت صنعتی قابل توجهی است. برای رژیم صهیونیستی نیز ویتنام سکوی مناسبی برای ورود به بازار جنوب شرق آسیا محسوب می‌شود؛ بازاری که به دلیل رقابت‌های فزاینده در دریای چین جنوبی، تقاضای آن برای تسلیحات پیشرفته به سرعت در حال افزایش است. از این رو، انتقال فناوری به ویتنام علاوه بر تأمین نیازهای ارتش این کشور، جایگاه اسرائیل را در بازار تسلیحات آسه‌آن نیز تقویت می‌کند. برخلاف همکاری‌ها با آمریکا یا هند که عمدتاً بر سامانه‌های موشکی و دفاع هوایی متمرکز است، پروژه ویتنام بر سلاح‌های سبک تمرکز دارد. دلیل این انتخاب آن است که ویتنام به دنبال جایگزینی تدریجی خانواده سلاح‌های سبک ساخت شوروی با نسل جدیدی از تفنگ‌های تهاجمی بود. این همکاری علاوه بر افزایش صادرات، به اسرائیل امکان داده است حضور بلندمدت خود را در یکی از مهم‌ترین بازارهای روبه‌رشد تسلیحات جهان تثبیت کند و از طریق انتقال فناوری کنترل شده، روابط نظامی خود را با ویتنام به سطحی فراتر از یک رابطه خریدار و فروشنده ارتقا دهد.^{۱۵}

۲. تولید تحت لیسانس (Licensed Production)

در این الگو، شرکت اسرائیلی مجوز تولید یک محصول را به شرکت خارجی می‌دهد. شرکت خارجی محصول را در داخل کشور خود تولید می‌کند، اما مالک فناوری اصلی نیست و باید طبق استانداردهای شرکت اسرائیلی عمل کند. معمولاً در ازای این مجوز، حق امتیاز (Royalty) پرداخت می‌شود. صادرات محصول نیز معمولاً نیازمند موافقت شرکت یا دولت اسرائیل است. رژیم صهیونیستی با این کشورها اقدام به همکاری تحت مدل تولید تحت لیسانس کرده است:

- **لهستان:** لهستان یکی از موفق‌ترین نمونه‌های همکاری صنعتی اسرائیل در اروپا به شمار می‌رود. همکاری لهستان با اسرائیل در حوزه تولید موشک‌های ضد زره اسپایک از سال ۲۰۰۳ و پس از انتخاب این سامانه توسط وزارت دفاع لهستان آغاز شد. در ادامه، شرکت دولتی مسکو (Mesko S.A.) با دریافت مجوز از رافائل، تولید تحت لیسانس خانواده موشک‌های اسپایک را در داخل لهستان آغاز کرد. این همکاری طی دو دهه گذشته به تدریج گسترش یافت و علاوه بر مونتاژ، شامل تولید بخشی از قطعات، آموزش نیروی انسانی و ایجاد زیرساخت‌های تعمیر و نگهداری نیز شد. برخلاف مدل سرمایه‌گذاری

^{۱۴} <https://www.iiss.org/publications/the-military-balance/>

^{۱۵} <https://www.iiss.org/publications/the-military-balance>

مشترک در هند یا صربستان، همکاری با لهستان عمدتاً بر پایه تولید تحت لیسانس شکل گرفته است؛ به این معنا که مالکیت فناوری همچنان در اختیار رافائل باقی مانده، اما تولید بخش عمده‌ای از سامانه در داخل لهستان انجام می‌شود.^{۱۶}

پس از آغاز جنگ اوکراین، مشخص شد که موشک‌های ضد زره همچنان یکی از مهم‌ترین تسلیحات نبرد زمینی هستند و بسیاری از کشورهای اروپایی برای افزایش ذخایر خود به دنبال تولید داخلی این سامانه‌ها رفتند. رژیم صهیونیستی نیز باتکیه بر ظرفیت تولید مسکو توانست پاسخ سریع‌تری به تقاضای اروپا بدهد، بدون آنکه فشار بیشتری بر خطوط تولید داخلی رافائل وارد شود.^{۱۷}

لهستان از یک سو یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌های اروپا را در اختیار دارد و از سوی دیگر، دارای زیرساخت صنعتی قابل توجهی در حوزه تولید مهمات و موشک است. همچنین موقعیت جغرافیایی لهستان در مرز شرقی ناتو باعث شده است این کشور به یکی از مهم‌ترین مراکز بازدارندگی در برابر روسیه تبدیل شود. برای اسرائیل نیز استقرار تولید موشک اسپایک در لهستان چند مزیت اساسی ایجاد می‌کند؛ نخست، دسترسی مستقیم به بازارهای اروپای مرکزی و شرقی؛ دوم، کاهش هزینه‌های تولید و لجستیک؛ سوم، امکان ارائه خدمات سریع‌تر تعمیر، نگهداری و ارتقای سامانه‌ها به مشتریان اروپایی. افزون بر این، همکاری با صنایع نظامی لهستان باعث شده است محصولات رافائل بیش از گذشته در زنجیره تأمین نظامی اروپا ادغام شوند.^{۱۸}

• **آلمان:** شرکت KNDS آلمان، یکی از پیشگامان اروپایی در حوزه سامانه‌های نظامی زمینی است که دفتر مرکزی آن در شهر مونیخ در آلمان قرار دارد. این شرکت در همکاری با البیت سیستمز یک شرکت مشترک به نام EuroPULS GmbH در شهر کاسل آلمان تأسیس کرده است؛ اقدامی که موجب گسترش همکاری‌ها برای عرضه سامانه توپخانه راکتی EuroPULS به کشورهای اروپایی و ناتو می‌شود و آغاز پروژه‌ای بزرگ‌تر برای توسعه نسخه اروپایی این سامانه محسوب می‌شود.

آلمان در فوریه ۲۰۲۵ سامانه راکت‌انداز چندمنظوره (Precise & Universal Launching System) یا به اختصار PULS ساخت البیت سیستمز را برای نیروهای مسلح خود انتخاب و قراردادی به ارزش حدود ۵۷ میلیون دلار برای خرید سامانه فوق امضا کرد.^{۱۹} این قرارداد در قالب همکاری سه‌جانبه میان هلند، رژیم صهیونیستی و آلمان اجرا می‌شود و شرکت KNDS Deutschland نیز مسئول بومی‌سازی، هماهنگ‌سازی با استانداردهای ناتو و ادغام سامانه‌های فرماندهی و کنترل آلمان در آن است. همچنین آلمان نخستین سفارش پنج پرتابگر EuroPULS را ثبت کرده که قرار است در سال ۲۰۲۷ تحویل داده شوند. این اقدام از نظر استراتژیک از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا البیت را از جایگاه «تأمین‌کننده خارجی» به جایگاه «شریک صنعتی اروپایی» در قالب همکاری در شرکت

^{۱۶} <https://www.rafael.co.il/worlds/land/spike/>

^{۱۷} <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

^{۱۸} <https://www.iiss.org/publications/the-military-balance>

^{۱۹} <https://www.elbitsystems.com/news/germany-selects-puls-rocket-launcher-artillery-system-its-armed-forces>

مشترک EuroPULS GmbH نزدیک می‌کند. اظهارات یهودا (اودی) ورد، مدیرعامل بخش زمینی البیت سیستمز نیز این مدعا را تأیید می‌کند: «تأسیس شرکت مشترک گامی مهم در تعمیق همکاری‌های صنعتی و تعهدات ما در اروپا و ناتو است. با ترکیب جایگاه قدرتمند KNDS در سامانه‌های زمینی اروپا و توانمندی‌های رزمایشی و عملیاتی البیت در این حوزه، راهکاری را ایجاد می‌کنیم که متناسب با نیازهای در حال تحول نیروهای مسلح اروپا و ناتو باشد.»^{۲۰}

این همکاری تنها منحصر به البیت نیست. چندی پیش رافائل و فولکس‌واگن به توافقی نزدیک شده بودند تا کارخانه فولکس‌واگن در اوسنابروک را از تولید خودروهای کاربریولت به تولید خودروهای سنگین، پرتابگرها و سایر اجزای مورد نیاز سامانه‌های پدافند هوایی از جمله گنبد آهنین و احتمالاً سامانه «پرتو آهنین» (Iron Beam) تبدیل کنند، اما مخالفت سرمایه‌گذار قطری تاکنون مانع این قرارداد شده است.

● **بریتانیا:** یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های اروپایی اسرائیل به شمار می‌رود. شرکت البیت سیستمز به عنوان نماینده اکوسیستم نظامی اسرائیل در بریتانیا حاضر است و عمدتاً از طریق شرکت تابعه Elbit Systems UK که بیش از ۶۸۰ نفر نیروی متخصص در آن مشغول به کار هستند و از نظر گستره فعالیت و اهمیت استراتژیک، مهم‌ترین زیرمجموعه اروپایی این شرکت محسوب می‌گردد، با بریتانیا همکاری نظامی دارد. همکاری البیت با وزارت دفاع بریتانیا در چندین برنامه کلیدی نظامی از جمله سامانه شناسایی و هدف‌یابی دیجیتال DJFI^{۲۱}، شبیه‌ساز آموزشی JFST^{۲۲} و سامانه شبیه‌سازی مجازی متحرک برای آموزش تاکتیکی نیروهای زمینی تجلی یافته است.^{۲۳} افزون بر این، البیت از طریق شرکت‌های تابعه و مشترک خود در ۱۶ محل مختلف در بریتانیا، محصولات نظامی متنوعی تولید می‌کند؛ از جمله پهپاد Watchkeeper (نسخه‌ای از Hermes 450) در شرکت مشترک U-TACS با تالس، و همچنین قطعات موتور و تجهیزات هدف‌گیری برای پهپادهای Hermes 450 و Hermes 900.

برخلاف مدل تولید تحت لیسانس در لهستان که بر مبنای همکاری با شرکت دولتی مسکو و مونتاژ داخلی موشک‌های اسپایک شکل گرفت، حضور البیت در بریتانیا مبتنی بر مالکیت کامل یا مشارکت در شرکت‌های تابعه است که علاوه بر تأمین نیازهای نیروهای مسلح بریتانیا، به صادرات مجدد به کشورهای دیگر از جمله سرزمین‌های اشغالی نیز می‌پردازند. داده‌های مربوط به مجوزهای صادراتی نشان می‌دهد که شرکت‌های تابعه البیت در بریتانیا از سال ۲۰۲۱ تاکنون ده‌ها مجوز صادرات نظامی به اسرائیل دریافت کرده‌اند و برخی از این تجهیزات در عملیات‌های نظامی از جمله حملات به غزه استفاده شده‌اند.^{۲۴}

^{۲۰} <https://gharar-tt.ir/1405/05/08/%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%DA%AF%D8%B3%D8%AA%D8%B1%D8%B4-%D9%86%D9%81%D9%88%D8%B0-%D8%A7%D9%84%D8%A8%DB%8C%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7/>

^{۲۱} <https://www.elbitsystems.com/networked-warfare/aerial-network-warfare/digitally-aided-close-air->

^{۲۲} <https://www.joint-forces.com/defence-equipment-news/78045-elbit-systems-uk-completes-jfstm-sat>

^{۲۳} <https://www.elbitsystems.com/news/elbit-systems-uk-provide-advanced-training-systems-capabilities-british-army>

^{۲۴} <https://caat.org.uk/data/companies/elbit-systems/>

برای رژیم صهیونیستی، استقرار گسترده در بریتانیا چند مزیت اساسی ایجاد می‌کند: نخست، دسترسی به قراردادهای بزرگ نوسازی ارتش بریتانیا و بازار دفاعی اروپا؛ دوم، بهره‌گیری از نیروی کار ماهر و زیرساخت صنعتی پیشرفته؛ سوم، امکان تأمین و پشتیبانی سریع‌تر از مشتریان اروپایی و همسو با استانداردهای ناتو. با این حال، در سال‌های اخیر حضور شرکت البیت به عنوان نماینده اسرائیل در بریتانیا با چالش‌های جدی همراه شده است؛ از جمله از دست دادن پروژه مهم CTPP (برنامه تحول آموزش جمعی نیروهای نظامی) به رقیب آمریکایی ریتون که به دلیل ملاحظات سیاسی مرتبط با رژیم صهیونیستی و جنگ غزه رخ داد، و نیز تعطیلی دفتر این شرکت در بریستول در پی اعتراضات گسترده فعالان حامی فلسطین. این موارد نشان می‌دهد که برخلاف همکاری پایدار و بدون حاشیه‌ی اسرائیل با لهستان در حوزه موشک‌های ضدزره، فعالیت البیت در بریتانیا با وجود عمق راهبردی، در معرض فشارهای سیاسی و افکار عمومی قرار دارد.

۳. انتقال فناوری (Technology Transfer)

در این الگو، شرکت اسرائیلی بخشی از دانش فنی، نقشه‌های مهندسی، نرم‌افزارها، فرایندهای تولید، آموزش نیروی انسانی و فناوری ساخت را به کشور شریک منتقل می‌کند تا آن کشور بتواند به تدریج توانایی تولید یا پشتیبانی از سامانه را در داخل به دست آورد. ایجاد توانمندی صنعتی در کشور میزبان، آموزش مهندسان و تکنسین‌ها، بومی‌سازی بخشی از تولید، معمولاً مرحله‌ای و محدود، نه انتقال کامل همه فناوری‌ها از ویژگی‌های این الگو است.

اسرائیل با این کشورها اقدام به همکاری تحت مدل انتقال فناوری کرده است:

- **مراکش:** مراکش یکی از مهم‌ترین نمونه‌های گسترش دیپلماسی صنعتی-نظامی اسرائیل پس از توافقات ابراهیم (۲۰۲۰) است. همکاری‌های نظامی دو دولت که ابتدا با خرید سامانه‌های دفاع هوایی، توپخانه و تجهیزات اطلاعاتی آغاز شده بود، از سال ۲۰۲۴ وارد مرحله‌ای جدید شد و در سال ۲۰۲۵ با تأسیس نخستین کارخانه تولید پهپادهای اسرائیلی در خاک مراکش به اوج رسید. شرکت بلو برد آئرو سیستمز (BlueBird Aero Systems) از زیرمجموعه‌های صنایع هوافضای اسرائیل با همکاری شرکت‌های مراکشی، کارخانه‌ای در نزدیکی کازابلانکا احداث کرد که مأموریت آن تولید، مونتاژ و پشتیبانی پهپادهای تاکتیکی و مهمات سرگردان، به‌ویژه پهپاد SpyX است؛ این پهپاد به‌نوعی یک مهمات سرگردان (Loitering Munition) است که برای مأموریت‌های شناسایی، حمله دقیق و انهدام اهداف متحرک طراحی شده. این پهپاد قادر است حدود ۹۰ دقیقه در آسمان پرواز کند، با سرعتی در حدود ۲۵۰ کیلومتر بر ساعت حرکت کند و کلاهکی با وزن حدوداً ۲٫۵ کیلوگرم حمل کند. انتخاب SpyX برای تولید در مراکش نیز تصادفی نیست؛ مراکش طی سال‌های اخیر با نگرانی‌های امنیتی در صحرای غربی و افزایش استفاده بازیگران غیردولتی از پهپادها مواجه بوده و به سامانه‌هایی نیاز دارد که هم هزینه عملیاتی پایین داشته باشند و هم قابلیت تولید انبوه داخلی را فراهم کنند. از نگاه رژیم صهیونیستی نیز

مهمات سرگردان یکی از موفق‌ترین محصولات صادراتی در جنگ‌های اخیر بوده و انتقال بخشی از تولید آن به مراکش، ظرفیت تولید جهانی این سامانه را افزایش می‌دهد.^{۲۵}

انتخاب مراکش برای ایجاد این کارخانه صرفاً ناشی از عادی‌سازی روابط سیاسی نبود، بلکه حاصل مجموعه‌ای از ملاحظات ژئوپلیتیکی و صنعتی است. مراکش از یک سو دارای ثبات سیاسی، زیرساخت‌های صنعتی روبه‌رشد و سیاست فعال برای توسعه صنایع نظامی داخلی است و از سوی دیگر، به دلیل قرارگرفتن در تلاقی اروپا، آفریقا و اقیانوس اطلس، موقعیت ممتازی برای تبدیل‌شدن به یک هاب تولید و صادرات تجهیزات نظامی دارد. برای اسرائیل، استقرار خط تولید در مراکش علاوه بر تسهیل دسترسی به بازارهای آفریقایی، وابستگی به تولید داخلی را کاهش می‌دهد و امکان حضور صنعتی در منطقه‌ای را فراهم می‌کند که پیش از توافق ابراهیم دسترسی مستقیم به آن بسیار محدود بود.^{۲۶}

همکاری نظامی تنها به تولید پهپاد محدود نیست. مراکش طی سال‌های اخیر قراردادهایی برای خرید سامانه دفاع هوایی Barak MX، سامانه پدافندی اسپایدر (SPYDER)، توپخانه خودکشی ATMOS-2000، سامانه پرتاب راکت PULS و همچنین ماهواره‌های شناسایی اسرائیلی منعقد کرده است. افزون بر این، آزمایش موفق موشک EXTRA با برد حدود ۱۵۰ کیلومتر نشان می‌دهد که همکاری نظامی به تدریج از خرید تجهیزات به سمت ایجاد یک شبکه جامع شامل آموزش نیروها، انتقال فناوری، نگهداری، تعمیرات و توسعه زیرساخت‌های صنعتی حرکت کرده است.^{۲۷}

از منظر راهبردی، سرمایه‌گذاری اسرائیل در مراکش اهدافی فراتر از تأمین نیازهای ارتش این کشور دارد. تل‌آویو تلاش می‌کند مراکش را به دروازه ورود صنایع نظامی اسرائیل به آفریقا تبدیل کند؛ مشابه نقشی که هند در آسیا و ایالات متحده در آمریکای شمالی ایفا می‌کنند. این همکاری علاوه بر افزایش ظرفیت تولید پهپادها، امکان ارائه خدمات تعمیر، آموزش و پشتیبانی به مشتریان آفریقایی را نیز فراهم می‌کند و وابستگی بلندمدت کشورهای منطقه به فناوری و زنجیره تأمین این رژیم را افزایش می‌دهد.^{۲۸}

● **رومانی:** رومانی در فاصله ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶ به یکی از مهم‌ترین شرکای صنعتی اسرائیل در اروپای شرقی تبدیل شده است. نقطه عطف این همکاری، امضای قرارداد ژوئیه ۲۰۲۵ میان وزارت دفاع رومانی و شرکت رافائل برای تأمین سامانه‌های دفاع هوایی SHORAD/VSHORAD به ارزش حدود ۲٫۳۵ تا ۲٫۴ میلیارد دلار بود. این قرارداد تنها یک خرید تسلیحاتی نیست، بلکه شامل مشارکت صنایع نظامی رومانی در تولید، یکپارچه‌سازی، تعمیر و نگهداری، آموزش نیروها و انتقال بخشی از فناوری نیز می‌شود. بر اساس برنامه اعلام‌شده، بخشی از فعالیت‌های مونتاژ، پشتیبانی فنی و نگهداری این سامانه‌ها در داخل رومانی انجام خواهد شد و صنایع نظامی این کشور به تدریج در زنجیره تأمین محصولات رافائل ادغام

^{۲۵} <https://www.defense-arabic.com/2025/02/26/morocco-launches-first-kamikaze-drone-factory-with-israeli-technology/>

^{۲۶} <https://www.defense-arabic.com/2025/02/26/morocco-launches-first-kamikaze-drone-factory-with-israeli-technology/>

^{۲۷} https://www.jpost.com/defense-and-tech/article-865814?utm_source=chatgpt.com

^{۲۸} <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

خواهند شد. به این ترتیب، همکاری بین این دو بازیگر از الگوی سنتی فروش تجهیزات فراتر رفته و وارد مرحله همکاری صنعتی بلندمدت شده است.^{۲۹}

از نگاه اسرائیل، حضور صنعتی در رومانی به معنای استقرار در یکی از مهم‌ترین بازارهای روبه‌رشد دفاع هوایی اروپا است؛ بازاری که پس از جنگ اوکراین، بیشترین تقاضا را برای سامانه‌های ضدپهپاد و ضد موشکی داشته است. دلیل انتخاب سامانه‌های SHORAD/VSHORAD برای این همکاری نیز کاملاً راهبردی است. جنگ اوکراین نشان داد که بزرگ‌ترین تهدید علیه زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی اروپا، صرفاً موشک‌های بالستیک نیست، بلکه پهپادهای انتحاری، موشک‌های کروز، بالگردها و مهمات هدایت‌شونده هستند. سامانه‌های کوتاه‌برد و بسیار کوتاه‌برد رافائل دقیقاً برای مقابله با این دسته از تهدیدات طراحی شده‌اند. اسرائیل با انتقال بخشی از مونتاژ و پشتیبانی این سامانه‌ها به رومانی، علاوه بر کاهش زمان تحویل سفارش‌ها، امکان ارائه خدمات تعمیر و ارتقای سریع به مشتریان اروپایی را نیز فراهم می‌کند؛ موضوعی که در بازار رقابتی اروپا یک مزیت مهم محسوب می‌شود.^{۳۰}

از منظر راهبردی، همکاری با رومانی بخشی از سیاست رژیم صهیونیستی برای تثبیت جایگاه خود به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان اصلی سامانه‌های دفاع هوایی اروپا است. اسرائیل با استقرار ظرفیت صنعتی در رومانی، علاوه بر دسترسی مستقیم به بازارهای اروپای شرقی، می‌تواند خدمات پشتیبانی، آموزش و ارتقای سامانه‌های خود را نیز با سرعت بیشتری ارائه دهد. در نتیجه، رومانی برای اسرائیل صرفاً یک مشتری تسلیحاتی نیست، بلکه به یکی از مراکز منطقه‌ای تولید، پشتیبانی و گسترش نفوذ صنعتی صنایع نظامی این رژیم در اروپا تبدیل شده است.^{۳۱}

- **اسلواکی:** اسلواکی در سال ۲۰۲۴ با امضای قراردادی به ارزش حدود ۵۶۰ میلیون یورو برای خرید سامانه پدافند هوایی BARAK MX از صنایع هوافضای اسرائیل به یکی از مهم‌ترین شرکای نظامی جدید اسرائیل در اروپای مرکزی تبدیل شد.^{۳۲}

سامانه BARAK MX یکی از پیشرفته‌ترین سامانه‌های دفاع هوایی چندلایه اسرائیل است که برای مقابله هم‌زمان با هواپیماها، بالگردها، پهپادها، موشک‌های کروز، موشک‌های بالستیک تاکتیکی و راکت‌ها طراحی شده است. این سامانه از رهگیرهایی با بردهای مختلف (حدود ۳۵، ۷۰ و ۱۵۰ کیلومتر) استفاده می‌کند و به دلیل معماری شبکه‌محور (Network-Centric) و قابلیت اتصال به سامانه‌های فرماندهی و کنترل ناتو، گزینه‌ای جذاب برای کشورهای اروپایی محسوب می‌شود. انتخاب BARAK MX برای اسلواکی نیز دقیقاً بر همین اساس انجام شد؛ زیرا این کشور به سامانه‌ای نیاز داشت که بتواند به راحتی در شبکه دفاع هوایی ائتلاف ناتو ادغام شود و هم‌زمان طیف گسترده‌ای از تهدیدات نوین را پوشش دهد. بر اساس اعلام صنایع هوافضای اسرائیل، شرکت‌های اسلواک در فرآیند یکپارچه‌سازی سامانه، تعمیرات،

^{۲۹} <https://www.rafael.co.il/news/rafael-awarded-romania-shorad-vshorad-program/>

^{۳۰} <https://www.rafael.co.il/press/rafael-and-romarm-sign-teaming-agreement-for-romania-shorad-vshorad-program/>

^{۳۱} <https://www.businessinsider.com/europe-air-defense-worries-new-interest-israel-davids-sling-2026-7>

^{۳۲} <https://www.defensa.com/otan-y-europa/israel-entrega-eslovaquia-primer-sistema-defensa-aerea-barak-mx>

نگهداری، آموزش و برخی فعالیت‌های تولیدی مشارکت خواهند داشت و بخشی از فناوری‌های مرتبط نیز به صنایع نظامی این کشور منتقل می‌شود.^{۳۳}

از نگاه رژیم صهیونیستی، اسلواکی بازاری نسبتاً کوچک اما بسیار راهبردی است؛ زیرا موفقیت پروژه BARAK MX در این کشور می‌تواند به‌عنوان ویتترین صادراتی برای سایر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی عمل کند. علاوه بر این، قرار گرفتن اسلواکی در قلب اروپا امکان ارائه خدمات تعمیر، نگهداری و پشتیبانی فنی به مشتریان منطقه‌ای را نیز تسهیل می‌کند.^{۳۴}

- **امارات متحده عربی:** پس از امضای پیمان موسوم به ابراهیم در سال ۲۰۲۰، روابط نظامی رژیم صهیونیستی و امارات به‌سرعت از سطح گفت‌وگوهای سیاسی فراتر رفت و وارد مرحله همکاری‌های صنعتی و فناورانه شد. همکاری با امارات عمدتاً بر سامانه‌های ضدپهپاد، حسگرهای پیشرفته و سامانه‌های خودکار دفاعی متمرکز شده است. شرکت‌های رافائل و صنایع هوافضای اسرائیل با گروه نظامی EDGE امارات چندین تفاهم‌نامه و پروژه مشترک برای توسعه فناوری‌های نظامی آینده امضا کرده‌اند که برخی از آنها شامل ایجاد ظرفیت تولید، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و توسعه محصولات مشترک در داخل امارات است.^{۳۵}

امارات نه به دلیل هزینه پایین تولید، بلکه به دلیل توان مالی بالا، وجود زیرساخت‌های صنعتی، سیاست تبدیل شدن به قطب فناوری نظامی خاورمیانه و دسترسی به بازارهای جهانی موردتوجه تل‌آویو قرار گرفته است. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی امارات امکان دسترسی آسان به بازارهای خاورمیانه، آفریقا و آسیا را فراهم می‌کند و این کشور می‌تواند به پایگاه صادراتی محصولات مشترک تبدیل شود. همچنین با توجه به نزدیکی امارات به ایران، جغرافیای این کشور بستر مناسبی برای طراحی عملیات‌های ضد ایرانی فراهم می‌کند.

همکاری صنعتی اسرائیل و امارات علاوه بر توسعه فناوری، شامل سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال دانش فنی، همکاری‌های تحقیق و توسعه (R&D)، آموزش متخصصان و ایجاد زیرساخت‌های صنعتی نیز می‌شود. هرچند تاکنون کارخانه‌ای مشابه خط تولید رهگیرهای تامیر در آمریکا یا پهپادها در هند در امارات احداث نشده است، اما تفاهم‌نامه‌های امضا شده مسیر ایجاد ظرفیت‌های مشترک تولید و مونتاژ را هموار کرده‌اند. در واقع، امارات برای رژیم صهیونیستی بیشتر نقش شریک فناوری را ایفا می‌کند تا صرفاً یک محل تولید ارزان‌قیمت.^{۳۶}

- **تایلند:** تایلند طی دو دهه گذشته به یکی از مشتریان ثابت صنایع نظامی اسرائیل تبدیل شده است. مهم‌ترین محور این همکاری، سامانه توپخانه خودکشی ATMOS 2000 ساخت شرکت البیت

^{۳۳} <https://www.businessinsider.com/europe-air-defense-worries-new-interest-israel-davids-sling-2026-7>

^{۳۴} <https://www.defensa.com/otan-y-europa/israel-entrega-eslovaquia-primer-sistema-defensa-aerea-barak-mx>

^{۳۵} <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

^{۳۶} <https://breakingdefense.com/2026/01/israeli-defense-industry-looks-to-capitalize-on-hard-won-combat-lessons-2026-preview/>

سیستمز است. این سامانه که از سوی ارتش تایلند به خدمت گرفته شده، علاوه بر تحویل تجهیزات، با بسته‌ای شامل آموزش، انتقال دانش فنی، ایجاد زیرساخت‌های تعمیر و نگهداری و مشارکت صنایع نظامی تایلند در مونتاژ و پشتیبانی همراه بوده است.^{۳۷} هدف اسرائیل از این مدل همکاری، تبدیل تایلند از یک خریدار صرف به شریکی صنعتی در حوزه توپخانه و پشتیبانی فنی بوده است. تایلند یکی از بزرگ‌ترین بودجه‌های نظامی جنوب شرق آسیا را در اختیار دارد و طی سال‌های اخیر برنامه گسترده‌ای برای نوسازی تجهیزات زمینی خود آغاز کرده است. همچنین تایلند دارای زیرساخت صنعتی مناسبی در حوزه تولید تجهیزات نظامی و تعمیرات اساسی است که امکان مشارکت صنایع داخلی در پروژه‌های مشترک را فراهم می‌کند. برای اسرائیل نیز حضور صنعتی در تایلند به معنای دسترسی به یکی از بازارهای مهم آسه‌آن و ایجاد پایگاهی برای ارائه خدمات فنی و پشتیبانی به سایر مشتریان منطقه است.

مدل همکاری اسرائیل و تایلند بر پایه انتقال فناوری محدود، آموزش نیروهای متخصص، ایجاد ظرفیت تعمیر و نگهداری (MRO) و مشارکت صنایع نظامی محلی در مونتاژ و یکپارچه‌سازی سامانه‌ها است. برخلاف پروژه‌های هند یا آمریکا که شامل تولید کامل برخی سامانه‌ها می‌شوند، در تایلند اسرائیل فناوری‌های حساس را در اختیار خود نگه داشته و بیشتر بر انتقال دانش عملیاتی و صنعتی مورد نیاز برای بهره‌برداری و پشتیبانی تمرکز کرده است.^{۳۸}

درحالی‌که ویتنام به مرکز تولید سلاح‌های سبک، فیلیپین به پایگاه خدمات پشتیبانی سامانه‌های پیشرفته و هند به بزرگ‌ترین مرکز تولید مشترک سامانه‌های موشکی و پهپادی این رژیم تبدیل شده‌اند، تایلند نقش مرکز منطقه‌ای پشتیبانی و بومی‌سازی سامانه‌های توپخانه‌ای اسرائیل را ایفا می‌کند. این تقسیم کار نشان می‌دهد که اسرائیل در آسیا به دنبال ایجاد شبکه‌ای از شرکای صنعتی با مأموریت‌های تخصصی است تا ضمن افزایش صادرات، حضور بلندمدت خود را در زنجیره نظامی منطقه تثبیت کند.

● **آلمان:** مهم‌ترین نقطه عطف همکاری با آلمان، امضای قرارداد حدود ۳٫۵ میلیارد دلاری برای خرید سامانه دفاع موشک پیکان ۳ در سال ۲۰۲۳ بود که اجرای آن در سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶ ادامه یافت.^{۳۹} این قرارداد تنها شامل تحویل موشک‌های رهگیر نبود، بلکه آموزش نیروهای آلمانی، انتقال دانش فنی، ایجاد زیرساخت‌های عملیاتی، توسعه مراکز تعمیر و نگهداری و همکاری صنعتی میان شرکت‌های اسرائیلی و آلمانی را نیز در بر می‌گیرد. این پروژه نخستین استقرار سامانه پیکان ۳ در خارج از اسرائیل محسوب می‌شود و به یکی از ستون‌های اصلی طرح دفاع موشکی اروپا (European Sky Shield Initiative) تبدیل شده است.^{۴۰}

^{۳۷} <https://www.armyrecognition.com/news/army-news/2023/thailand-receives-new-atmos-155mm-self-propelled-howitzers-from-israel>

^{۳۸} armstrade.sipri.org/armstrade/page/trade_register.php

^{۳۹} <https://english.mod.gov.il/Pages/Arrow-3-Sale-to-Germany.aspx>

^{۴۰} <https://www.reuters.com/world/europe/germany-signs-arrow-3-missile-defence-deal-with-israel-2023-09-28/>

برخلاف پروژه‌های هند یا آمریکا که بر ایجاد خطوط تولید متمرکز هستند، همکاری اسرائیل و آلمان بیشتر بر انتقال دانش فنی، آموزش، یکپارچه‌سازی سامانه‌ها و ایجاد زیرساخت‌های پشتیبانی استوار است. به همین دلیل، اسرائیل فناوری کامل تولید را منتقل نکرده، اما بخش‌هایی از آموزش، نگهداری، یکپارچه‌سازی و پشتیبانی فنی را با صنایع نظامی آلمان به اشتراک گذاشته است تا برلین بتواند این سامانه را به صورت مستقل بهره‌برداری کند.^{۴۱}

همکاری آلمان و رژیم صهیونیستی در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ به پیکان ۳ محدود نمانده است. هم‌زمان با افزایش تهدیدات موشکی در اروپا، چندین کشور اروپایی علاقه خود را به سامانه فلاخن داود (David's Sling) نیز اعلام کرده‌اند^{۴۲} و مقامات اسرائیلی تأکید کرده‌اند که آلمان می‌تواند به یکی از مراکز اصلی توسعه لایه میانی دفاع موشکی اروپا تبدیل شود. همچنین شرکت‌های آلمانی در توسعه زیرساخت‌های فرماندهی، استقرار سامانه، آموزش نیروها و خدمات پشتیبانی مشارکت دارند. این همکاری نشان می‌دهد که اسرائیل در اروپا به جای صادرات صرف تجهیزات، به دنبال ایجاد شبکه‌ای از شرکای صنعتی و عملیاتی برای پشتیبانی بلندمدت سامانه‌های دفاع هوایی خود است.^{۴۳}

نتیجه‌گیری

بررسی الگوی سرمایه‌گذاری خارجی صنایع نظامی رژیم صهیونیستی نشان‌دهنده گذار تدریجی این رژیم از صادرات محض تسلیحات به بین‌المللی‌سازی ظرفیت تولید است. این راهبرد فراتر از یک رویکرد تجاری صرف، در پی آن است که با پراکنده‌سازی جغرافیایی خطوط تولید، انبارهای مهمات و سامانه‌های حساس در کشورهای شریک، جایگزینی سریع ادوات آسیب‌دیده در صورت حمله به تأسیسات داخلی را از طریق شبکه خارجی میسر گرداند.

تجربه جنگ غزه و مصرف بی‌سابقه موشک‌های رهگیر و مهمات، ناکارآمدی اتکال صرف به خطوط تولید داخلی در شرایط جنگی را آشکار ساخت. از این رو، اسرائیل با ایجاد خطوط تولید صنایع نظامی در کشورهای هم‌پیمان و تمرکززدایی از ساختار صنایع خود، در پی کاهش ریسک‌های ناشی از متمرکز بودن تأسیسات حساس دفاعی برآمده است. رژیم صهیونی از افزایش هزینه دفاعی در اروپا استفاده می‌کند تا به یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان تسلیحات در جهان تبدیل شود. هدف از این کار تنها معطوف به افزایش فروش نیست بلکه کاهش وابستگی را نیز در نظر دارد. گفتنی است که پس از آغاز جنگ غزه برخی از تأمین‌کنندگان اروپایی رژیم از جمله بریتانیا و ایتالیا صادرات نظامی به سرزمین‌های اشغالی را محدود کردند تا بر نتانیاهو برای اقدام دیپلماتیک فشار وارد کنند اما اکنون فعالیت صنعت نظامی اسرائیل نه تنها محدود نشده بلکه تولید خود را با شدت بیشتری افزایش داده و به دنبال افزایش صادرات است؛ حتی صادرات آن دسته تسلیحاتی که پیش‌تر به دلیل جنگ غزه با محدودیت و تحریم مواجه شده بود.

انتخاب کشورهای شریک اسرائیل نیز بر اساس یک تقسیم کار راهبردی صورت گرفته است. هند به مهم‌ترین مرکز تولید مشترک و توسعه فناوری در آسیا تبدیل شده؛ رومانی، لهستان، اسلواکی و آلمان در راهبرد نفوذ به بازار دفاعی

^{۴۱} <https://www.bmvg.de/en/news/germany-signs-contract-for-arrow-3-air-defence-system-5695232>

^{۴۲} <https://www.defensenews.com/global/europe/2024/07/29/european-interest-grows-in-israels-davids-sling-air-defense-system/>

^{۴۳} <https://www.businessinsider.com/europe-air-defense-worries-new-interest-israel-davids-sling-2026-7>

اروپا و پشتیبانی از سامانه‌های دفاع هوایی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ مراکش دروازه ورود به بازار آفریقا محسوب می‌شود؛ و کشورهای جنوب شرق آسیا مانند ویتنام، تایلند و فیلیپین هر یک در بخشی از زنجیره تولید، مونتاژ، انتقال فناوری یا خدمات پس از فروش نقش‌آفرینی می‌کنند.

ویژگی کلیدی دیگر این راهبرد، حفظ انحصار فناوری‌های حساس در دست شرکت‌های اسرائیلی است. اگرچه در پروژه‌ها از عناوینی مانند انتقال فناوری یا تولید مشترک استفاده می‌شود، اما هسته‌های فنی شامل سامانه‌های هدایت، نرم‌افزارهای مأموریتی، الگوریتم‌های رهگیری، حسگرها، جستجوگرها، فناوری‌های پیش‌ران و زیرسامانه‌های رمزنگاری، عمدتاً در انحصار اسرائیل باقی می‌ماند. بدین ترتیب، کشورهای شریک بیشتر در حوزه‌های مونتاژ، تولید قطعات منتخب، تعمیر و نگهداری، آموزش و پشتیبانی مشارکت داشته و برای ارتقا، تأمین قطعات حساس و پشتیبانی فنی به صنایع نظامی اسرائیل وابسته می‌مانند؛ عاملی که نفوذ بلندمدت تل‌آویو را تقویت می‌کند.

در طرف دیگر ماجرا شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد اسرائیل، دست‌کم در بازه‌ای از زمان جنگ، بخشی از تولیدات خود را به مکان‌های دیگری منتقل کرده است. اسرائیل یک دولت خودخوانده محصور در چارچوب جغرافیایی محدود و پرتنش است. در سال‌های اخیر رژیم صهیونی آتش‌افروز جنگ‌های پایان‌ناپذیر با گروه‌های مقاومت در منطقه بوده است. با وجود حمایت‌های سخاوتمندانه ایالات متحده و سایر کشورها از رژیم، این درگیری‌ها و جنگ‌ها در نهایت موجب شده کارخانه‌های اسرائیلی در معرض حملات قرار بگیرند، کارکنان این واحدها به خدمت نظامی فراخوانده شوند و فرایند تولید مختل گردد. حتی در صورت در امان ماندن کارخانه از حملات، به دلایل گوناگون از جمله اختلال در فعالیت بنادر و گلوگاه‌های جهانی و همچنین تحریم‌های جزئی و فشار سیاسی و اجتماعی ناشی از گروه‌های مردمی، زنجیره تأمین آسیب دیده است. همکاری با کشورها و شرکت‌های اروپایی از منظر رژیم صهیونی نه تنها یک فرصت برای گسترش نفوذ به شمار می‌رود بلکه راهی جایگزین برای کاهش خسارات و تأثیرات منفی ناشی از جنگ در داخل سرزمین‌های اشغالی است.

در مجموع، این سرمایه‌گذاری‌ها بخشی از راهبرد کلان امنیتی-ژئوپلیتیکی اسرائیل برای افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین نظامی، کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های داخلی، افزایش ظرفیت تولید در شرایط جنگی، امکان جایگزینی فوری ادوات آسیب‌دیده، تثبیت حضور در بازارهای راهبردی و گسترش نفوذ صنعتی در جهان است. تداوم این روند، اسرائیل را از یک صادرکننده صرف تسلیحات به مدیر شبکه‌ای فراملی از تولید و پشتیبانی ارتقا می‌دهد که در آن، همکاری‌های صنعتی به ابزاری برای تعمیق وابستگی شرکای خارجی و تضمین تداوم حیات صنایع نظامی اسرائیل حتی در جنگ‌های فراگیر تبدیل می‌شود. با این حال، همین سیاست افزون بر کاهش آسیب‌پذیری رژیم، فرصتی راهبردی برای سایر بازیگران فراهم می‌آورد تا با اقدامات هدفمند، بتوانند اسرائیل را در کشورهای شریک مهار کرده و ضربات مؤثری بر منافع صنعتی-نظامی آن وارد سازند.